راز ناپدید شدن

پدر با اعترافات پسر فاش شد

گروه حوادث/ پسر جوان وقتی فهمید پدرش زن دیگری را به عقد خود درآورده و قصد دارد مادر او را طلاق دهد وی را با ضربه‌های میله آهنی به قتل رساند و جسدش را در چاه انداخت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اول مهر امسال دختر جوانی به اداره پلیس پایتخت رفت و از ناپدید شدن پدرش خبر داد. او زمانی که مقابل افسر پرونده نشست گفت: پدرم از ۲۶ شهریور ناپدید شده، او در کار خرید و فروش ملک است و ویلایی در لواسانات دارد. هر چه با تلفن همراه پدرم تماس می‌گیرم خاموش است. از آنجایی که پدر و مادرم باهم اختلاف داشتند و جدا از هم زندگی می‌کردند، روزهای اول خیلی نگرانش نشدیم، اما با گذشت ۵ روز وقتی هیچ خبری از او نشد و کسی هم از پدرم خبر نداشت نگران شدیم.

■ کشف لکه‌های خون در ویلا

به‌دنبال شکایت دختر جوان تحقیقات برای یافتن پدر ۶۵ ساله‌اش آغاز شد. در جریان تحقیقات کارآگاهان اداره آگاهی دریافتند که آخرین بار پسر بزرگ خانواده به نام سهیل با پدرش قرار داشته است. اما وقتی به تحقیق از سهیل پرداختند وی مدعی شد که از پدرش خبری ندارد و گفت: پدرم قرار بود برای معامله ملکی به قرچک برود و قرار شد که با من تماس بگیرد و من هم برای معامله بروم. اما خبری از او نشد و با این تصور که با من کاری ندارد و خودش معامله را انجام داده، دیگر با او تماسی نگرفتم.

در ادامه مأموران راهی خانه باغ ویلایی مرد میانسال در لواسانات شدند و در بررسی خانه لکه‌های خونی داخل خانه و خودروی پژو ۴۰۵ مرد گمشده پیدا کردند. با انجام آزمایش‌های دی‌ان‌ای مشخص شد که لکه‌های خون متعلق به مرد میانسال است، بدین ترتیب فرضیه قتل وی قوت گرفت.

در ادامه تحقیقات مشخص شد که مرد ثروتمند ۶ ماه قبل زنی به نام منیر را به عقد موقت خود درآورده است، بنابراین کارآگاهان جنایی راهی خانه این زن در قرچک ورامین شدند. منیر که باردار بود در تحقیقات گفت: من هم مثل شما از شوهرم خبری ندارم. مدتی قبل با او آشنا شدم و به عقد موقت او درآمدم. اما قرار بود مرا عقد دائم کند و حتی آخرین باری که با او صحبت کردم به من گفت کارهایش را انجام داده و به‌دنبالم می‌آید تا به محضر برویم و مرا به عقد دائم خود درآورد. بعد از آن هم تلفن همراهش خاموش شد و دیگر خبری از او ندارم.

وقتی اظهارات زن جوان تأیید شد کارآگاهان این بار تحقیقات خود را در شاخه دیگری دنبال کردند.

■ بازداشت متهم

در حالی که تحقیقات تیم جنایی ادامه داشت، بار دیگر دختر مرد گمشده به اداره آگاهی رفت و سرنخ اصلی را به‌دست مأموران داد. او گفت: به برادرم سهیل خیلی مشکوک هستم. با اینکه مادرم خیلی با پدرم اختلاف داشت اما او هم نگران سرنوشت پدرم است و مدام سراغ او را می‌گیرد و همه جا دنبالش می‌گردد اما سهیل خیلی بی‌تفاوت است و انگار یک موضوعی را از ما پنهان می‌کند.

اظهارات دختر جوان از یک‌سو و مدارکی که تیم تحقیق به دست آورد مبنی بر اینکه روز ناپدید شدن پدر خانواده، پسرش سهیل در اطراف باغ لواسان دیده شده بود، باعث شد که انگشت اتهام به سمت سهیل نشانه برود و با فرضیه دست داشتن مرد ۳۵ ساله در ناپدید شدن مرموز پدرش، او بازداشت شد.

■ کشف جسد در چاه

گرچه سهیل در تحقیقات همچنان منکر قتل بود اما چند روز بعد، راز ناپدید شدن پدرش را برملا کرد. او مدعی شد پدرش را به قتل رسانده و جسدش را داخل چاه قدیمی در ویلای لواسان انداخته است. با اعتراف او، مأموران اداره آگاهی و آتش‌نشانی راهی باغ شدند.

۱۲ ساعت تلاش مأموران پلیس و آتش‌نشانان در نهایت منجر به بیرون آوردن جسد مرد میانسال شد. بدین‌ترتیب سهیل به اتهام قتل پدر روانه بازداشتگاه شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

■ گفت‌وگو با متهم

اختلافت با پدر سر چه بود؟

پدرم خیلی مادرم را اذیت می‌کرد اختلاف زیادی با هم داشتند. اصلاً به مادرم توجهی نداشت و رفتار او هر روز سردتر می‌شد، برای یافتن علت این رفتار او را تحت نظر قرار دادم و متوجه شدم پدرم بی‌خبر از ما، زنی را موقت به عقد خود درآورده است. از این ماجرا خیلی ناراحت شدم و عصبانیتم زمانی بیشتر شد که فهمیدم پدرم می‌خواهد مادرم را پس از سال‌ها زندگی طلاق بدهد. مادرم نیز بشدت از این موضوع ناراحت بود.

چه شد که به ویلا رفتی؟

رفتم با پدرم در این مورد صحبت کنم. گفتم تو حق نداری که مادرم را طلاق بدهی. چرا زنی را وارد زندگی‌ات کرده‌ای. سر همین مسأله باهم درگیر شدیم و پدرم شروع به فحاشی کرد و من که خیلی عصبانی شده بودم با میله چند ضربه به او زدم. به خودم که آمدم متوجه شدم پدرم نفس نمی‌کشد. خواستم جسد پدرم را از باغ ویلا بیرون ببرم و در بیابان‌های اطراف دفن کنم، اما به محض اینکه از خانه بیرون آمدم، دیدم چند نفری داخل خیابان هستند و با دیدن آنها ترسیدم که نکند جسد را ببینند و راز این قتل مطرح شود. داخل ویلا یک چاه آب قدیمی بود، جسد پدرم را داخل چاه انداختم. بعد از آن ماجرا سعی کردم با صحنه‌سازی طوری وانمود کنم که از سرنوشت پدرم بی‌خبر هستم. من به خاطر مادرم با او درگیر شدم اما نمی‌خواستم پدرم را بکشم یک لحظه عصبانی شدم.

با نقض حکم در دیوان عالی کشور

متهم به قتل دوباره محاکمه شد

گروه حوادث/ پسر جوان که طی محاکمه به اتهام قتل توانسته بود قضات را قانع کند قتل در پی دفاع مشروع بوده و به پرداخت دیه محکوم شده بود، با اعتراض اولیای‌دم و نقض حکم در دیوان عالی کشور بار دیگر در شعبه هم‌عرض از خودش دفاع کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، پاییز سال ۹۹ گزارش یک نزاع دسته‌جمعی در یکی از مناطق جنوبی تهران به پلیس اعلام شد. بررسی مأموران نشان می‌داد ۸ نفر در قالب ۲ گروه با یکدیگر درگیر شده‌اند که در این میان ۲ نفر به نام‌های سعید و شهرام به خاطر جراحت با سلاح سرد مجروح و هردوی آنها توسط اورژانس به بیمارستان منتقل شده‌اند.

ساعاتی بعد کادر درمانی اعلام کردند که شهرام در اثر شدت جراحات وارده به ناحیه قلب و خونریزی شدید جان باخته است.

بررسی مأموران نشان می‌داد که سعید عامل قتل است، بنابراین پس از بهبودی نسبی تحت بازجویی قرار گرفت و در همان ابتدا هم موضوع درگیری را پذیرفت و پرونده پس از تکمیل تحقیقات به شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه خانواده مقتول درخواست قصاص کردند. سپس متهم به جایگاه رفت و در شرح ماجرا گفت: شب حادثه همه ما به خاطر خوردن مشروب مست بودیم و حالت طبیعی نداشتیم. چند دقیقه پیش از درگیری برای انتقال خودروی یکی از دوستانم به سر خیابان رفتم و سوار خودروی دوستم شدم و در حال برگشت بودم که دیدم دوستانم با چند نفر دعوا می‌کنند. بدون آنکه بدانم موضوع چیست بلافاصله از خودرو بیرون آمدم تا با میانجی‌گری دعوا را خاتمه دهم اما به یکباره شهرام با چاقو دو ضربه به من زد و در حالی که احساس ضعف و سستی پیدا کرده بودم، چشمم به چاقویی افتاد که روی زمین افتاده، بسرعت آن را برداشتم و برای آنکه کشته نشوم ضربه‌ای به شهرام زدم و بعد هم سرم گیج رفت و بیهوش روی زمین افتادم. باور کنید اگر من او را نمی‌زدم شهرام مرا می‌کشت.

در ادامه همه طرف‌های درگیر در نزاع یک به یک به جایگاه رفتند و اظهارات متهم را تأیید کردند.

پس از آن قضات وارد شور شدند و با توجه به اظهارات متهم و شهود و همچنین گزارش پلیس، دفاع مشروع متهم پذیرفته و وی به پرداخت دیه محکوم شد.

پس از اعتراض خانواده مقتول به حکم، پرونده به دیوان عالی کشور رفت و قضات دیوان با بررسی جزئیات پرونده حکم را شکستند و پرونده برای رسیدگی دوباره به شعبه هم‌عرض فرستاده شد.

در دومین جلسه رسیدگی به این پرونده که در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد، پدر و مادر مقتول به عنوان اولیای‌دم باز هم درخواست قصاص کردند. بعد از آن وکیل اولیای‌دم به جایگاه رفت و اظهار داشت: متهم عنوان کرده وقتی از سوی مقتول ضربه خورده چشمش به چاقویی افتاده و بعد هم آن را برداشته و مرتکب قتل شده در حالی که بررسی فیلم‌های دوربین مداربسته نشان می‌دهد، چاقویی که با آن قتل رخ داده چاقوی خودش بوده است. این تناقض‌گویی‌ها گویای آن است که متهم با قصد و عمد مرتکب قتل شده است.

پس از اظهارات وکیل مدافع اولیای‌دم، متهم به جایگاه رفت و با تکرار اظهاراتش عنوان کرد: من بارها گفته‌ام که نه شهرام را می‌شناختم و نه می‌دانستم درگیری بر سر چیست. وقتی دیدم دوستانم دعوا می‌کنند از خودرو پیاده شدم تا مانع درگیری شوم که شهرام بدون دلیل به من حمله و با چاقو مرا مجروح کرد، اما اگر من از خودم دفاع نمی‌کردم حالا من مقتول بودم و او قاتل.

با پایان اظهارات متهم، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

رسیدگی به پرونده محیطبان کرمانی در دادسرای نظامی

گروه حوادث: فرمانده یگان حفاظت محیط زیست از بررسی پرونده محیطبان کرمانی که به اتهام قتل مردی در محدوده منطقه شکار ممنوع رابُر بازداشت شده در دادسرای نظامی خبر داد.

سرهنگ جمشید محبت خانی به ایرنا گفت: صبح پنجشنبه -۱۹ آبان- اداره کل محیط زیست استان کرمان خبری مبنی بر حضور شکارچیان در منطقه حفاظت شده رابُر کرمان در حوالی روستای عشق‌آباد دریافت کردند که برای شکار گراز وارد منطقه شده بودند ، بر این اساس دو محیطبان به منطقه اعزام شدند.

وی اظهار داشت: محیطبانان با شکارچیان در خارج از منطقه رابُر مواجه شدند که گرازی را شکار کرده و در حال خارج شدن از منطقه بودند. بعد از اینکه هم محیطبانان و هم شکارچیان از خودرو پیاده شدند، یکی از شکارچیان فرار کرد و در این زمان یکی از محیطبانان اقدام به شلیک کرد که گلوله به سر شکارچی برخورد و موجب کشته شدن وی شد.

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست ادامه داد: اکنون پرونده محیطبان در دادسرای نظامی تشکیل شده و باید بررسی شود که چه اتفاقی افتاده که محیطبان تیراندازی کرده و موجب کشته شدن فرد شده است البته گرازی هم که شکار کرده بودند کشف و ضبط شده است.

وی در پاسخ به اینکه آیا شکار در منطقه حفاظت شده صورت گرفته است گفت: این موضوع هم در دست بررسی است. اکنون هر دو محیطبان در بازداشت هستند تا ابعاد موضوع روشن شود. البته محیطبان می‌گوید که قصد شلیک تیر هوایی داشته؛ حالا اینکه چه اتفاقی افتاده که تیر به سر شکارچی برخورد کرده است باید از سوی کارشناسان مورد بررسی قرار گیرد. باید به این موضوع هم توجه شود که حتی اگر شکار هم صورت گیرد ما حق شلیک نداریم مگر اینکه جانمان در خطر باشد حال اینکه فرد در حال فرار بود و محیطبان هم گفته که می‌خواسته تیر هوایی شلیک کند، تشخیص آن با کارشناس است.

محبت خانی گفت: سازمان محیط زیست به موضوع ورود کرده و قرار است سه‌شنبه (۲۴ آبان) همراه وکیلی از سازمان به کرمان برویم تا از نزدیک موضوع را بررسی کنیم.

ادعای عجیب زن کودک ربا در دادسرا

بچه‌ها را به دستور مادرشان دزدیدم!

گروه حوادث/ زن تبهکار که به اتهام کودک‌ربایی و قتل بازداشت شده، در تحقیقات مدعی شد به دستور مادر بچه‌ها آنها را ربوده بود. این در حالی است که پدر و مادر دختر سه ساله خواهان قصاص قاتل فرزندشان شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از پنجشنبه ۱۲ آبان و به دنبال گزارش ربوده شدن دختری سه ساله و برادر ۵ ساله‌اش آغاز شد. مادر این دو کودک در تحقیقات مدعی شد دو زن جوان با معرفی خود به عنوان نیکوکار به در خانه آنها رفته و بچه‌هایش را ربوده‌اند.

با این شکایت تحقیقات از سوی کارآگاهان اداره یازدهم ادامه یافت و دو روز بعد دو کودک ربوده شده در حالی داخل پارک ولایت پیدا شدند که دختر سه ساله فوت کرده بود و برادرش به سختی نفس می‌کشید.

با گزارش این موضوع به بازپرس محمدتقی شعبانی، بررسی‌ها ادامه یافت تا اینکه در نهایت ۷ روز بعد از این کودک‌ربایی عاملان آن که دو خواهر، مادرشان و پسر جوانی بودند دستگیر شدند.

دو دختر مدعی شدند که آنها به دستور مادرشان و برای اخاذی یک میلیارد تومانی از خانواده بچه‌ها که افغانستانی بودند آنها را ربوده و مادرشان به بچه‌ها داروهای متادون و ترامادول و خواب‌آور می‌داده است اما دختر ۳ ساله ناگهان حالش بد شد و جان باخت.

روز گذشته متهم اصلی که طراح این نقشه بود زمانی که در مقابل بازپرس جنایی قرار گرفت، ادعای عجیبی را مطرح کرد: مدتی قبل با مادر بچه‌ها در پارک آشنا شدم. او گفت یک نفر برایش ایجاد مزاحمت کرده و پول خواسته و اگر نتواند پولی را که آن فرد می‌خواهد فراهم کند، او مدارک را برملا می‌کند.

متهم ادامه داد: مادر بچه‌ها پیشنهاد داد که آنها را بدزدم و درخواست یک میلیارد تومان از خانواده داشته باشم. بعد از دریافت پول ۲۰ میلیون تومان را خودم به عنوان دستمزد بردارم و مابقی را او به فردی می‌دهد که تهدیدش می‌کند. من دارویی به بچه‌ها ندادم و آنها را کتک نزدم. فقط به سفارش مادر بچه‌ها به آنها داروی دیازپام دادم. مادر بچه‌ها گفت روزی سه وعده می‌توانم به آنها داروی خواب‌آور بدهم تا بخوابند و کسی از ماجرا باخبر نشود.

در حالی که زن تبهکارچنین ادعایی دارد، مادر و پدر دختر سه ساله منکر ادعای این زن شده و خواهان قصاص عامل قتل فرزندشان هستند. متهم به دستور بازپرس شعبه دهم دادسرای امور جنایی پایتخت در اختیار کارآگاهان اداره دهم قرار داده شد و تحقیقات ادامه دارد.

اخبار

دادگستری کل استان مرکزی اعلام کرد

مسمومیت با مواد مخدر علت مرگ پسر دانشجو

گروه حوادث: دادگستری کل استان مرکزی در اطلاعیه‌ای علت فوت پسر دانشجویی را که گفته می‌شد در اغتشاشات اراک کشته شده است مسمومیت ناشی از سوء مصرف مواد مخدر اعلام کرد.

به گزارش میزان، در تحقیقات به عمل آمده از سوی دادگستری کل استان مرکزی عنوان شده است: حسب پخش خبری توسط رسانه‌های معاند مبنی بر فوت جوانی به نام علیرضا کریمی و ارتباط دادن آن با اغتشاشات و حوادث اخیر، تحقیقات فنی و قضایی صورت گرفته و مشخص شده است این جوان، غیربومی استان مرکزی بوده و در منزل مجردی خود سکونت داشته و در همان مکان فوت کرده است.

براساس اعلام دادگستری استان مرکزی، بنا به گواهی پزشکی قانونی، علت تامه فوت علیرضا کریمی، مسمومیت ناشی از سوء مصرف مواد مخدر اعلام شده است.

براساس این گزارش، در بررسی جسد متوفی آثار و شواهدی دال بر آزار، ضرب و جرح، کوفتگی و شکستگی مشاهده و گزارش نشده است بنابراین فوت این فرد هیچ ارتباطی به اغتشاشات یا احیاناً شرکت در تجمعات اخیر ندارد و این ادعا تکذیب می‌شود.

علیرضا کریمی اهل اسلام آباد غرب بوده که در رشته میکروبیولوژی دانشگاه اراک تحصیل می‌کرد.

شهادت علیه متهم در دادگاه با قتل پایان یافت

گروه حوادث: مرد جوان که مدعی است به خاطر شهادت در یک پرونده به دردسر افتاده و سرانجام مرتکب قتل شده بود، جزئیات این جنایت را فاش کرد.

به گزارش میزان، سرهنگ مهدی حاج‌حمدی رئیس اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی البرز بیان کرد: در تاریخ ۱۰ مرداد امسال مصادف با دهه اول محرم قتلی در یکی از محله‌های استان البرز اتفاق افتاد و مردی ۳۵ ساله حوالی ساعت ۲۲ در خودروی پرشیای خود مورد اصابت چندین گلوله قرار گرفت و به قتل رسید.

با بررسی‌های بسیار متهم به قتل شناسایی و دستگیر شد. وی در بازجویی‌ها درباره انگیزه خود از قتل گفت: این ماجرا از جایی شروع شد که یک روز من به همراه مادرم در خیابان متوجه شدیم مردی برای دوست مادرم مزاحمت ایجاد کرده است. آن مرد با دیدن ما فرار کرد اما دوست مادرم تعریف کرد که از آن مرد ماشینی خریده بوده و آن آقا هم در آن ماشین شنود و ردیاب کار گذاشته بود.

متهم ادامه داد: وقتی این خانم علیه فروشنده خودرو شکایت کرد، آن مرد مدعی شد این خانم همسر صیغه‌ای او بوده است اما وقتی ما در دادگاه شاهد این پرونده شدیم و علیه آن مرد شهادت دادیم مشکلات‌مان شروع شد.

متهم درباره ماجرای بعد از شهادتش توضیح داد: مقتول یک بار به تنهایی مرا تهدید کرد که شهادتم را پس بگیرم که من این کار را انجام ندادم. بار دیگر وقتی رأی دادگاه صادر شد، او و چند نفر دیگر جلوی مرا گرفتند و تهدید کردند. آنها از من فیلم سیاه گرفتند. بعد از اینکه از من فیلم گرفتند، پیش قاضی پرونده رفتم تا شهادتم را پس بگیرم و دفتردار گفت که این کار بین شش ماه تا یک سال حبس دارد که نتوانستم این کار را انجام بدهم.

وی به شکایت دیگری که مقتول از او کرده بود، اشاره کرد و گفت: یک بار هم مرحوم از من به اتهام رابطه نامشروع شکایت کرده بود که در دادگاه حاضر شدم و قاضی بعد از شنیدن صحبت‌هایم تبرئه‌ام کرد.

این متهم درباره تهدیدهایی که از سوی مقتول و همراهانش شده بود، توضیح داد: بعد از اینکه آنها از من فیلم گرفتند، تهدیدم کردند که فیلم را پخش می‌کنند. من هم نتوانستم با این موضوع کنار بیایم و گفتم که باید کارش را تلافی کنم که در نهایت آن اتفاق افتاد.

متهم درباره روند وقوع قتل گفت: روز قتل مقابل نمایشگاه ماشین ایستادم و زمانی که از نمایشگاه خارج شد، همراه با اسلحه پشت سرش حرکت کردم. ماشینش را پارک کرد، من هم از ماشین پیاده شدم و آن اتفاق افتاد. ابتدا به سمت شیشه ماشین تیراندازی کردم و بعد در ماشین را باز کردم و سه تیر به خودش زدم. بعد از وقوع قتل، اسلحه را در محله قلعه آذری پنهان کردم.

رئیس اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی البرز درباره نقش همسر سابق مقتول در وقوع قتل گفت: همسر سابق مقتول به اتهام همکاری در قتل از همان روز اول بازداشت شد. این خانم و چند نفر دیگر سفارش این قتل را داده بودند. ما اعتقاد داریم که همسر سابق مقتول نقشه قتل را کشیده بود به همین خاطر ایشان همچنان در بازداشت به سر می‌برند.

بعد از اینکه متهم اصلی پرونده متوجه بازداشت همسر سابق مقتول شده بود، به رشت رفته و حدود ۲۰ روزی را در خانه زنی گذراند که قبلاً قول و قرارهای ازدواج به او داده بود. سپس متهم به همراه این خانم راهی کیش شد و قصد داشتند با مدارک جعلی به کشورهای حاشیه خلیج فارس فرار کنند که دستگیر شدند.

سرهنگ حاج‌حمدی درباره زوایای دیگر این پرونده توضیح داد: اصل موضوع که دستگیری قاتل بوده، انجام شده و سلاح ضبط شده است. این پرونده حواشی مختلفی دارد که در حال بررسی هستیم و بزودی روشن خواهد شد.

قطع دست مسافر در واژگونی اتوبوس

گروه حوادث: خستگی و خواب آلودگی راننده اتوبوس در محور دهگلان-سنندج منجر به واژگونی و مرگ یک نفر و مجروح شدن ۱۳ مسافر شد.

سرهنگ عیسی گوهری، رئیس پلیس راه استان کردستان در تشریح این حادثه گفت: ساعت ۶ صبح شنبه ۲۱ آبان یک دستگاه اتوبوس مسافربری تهران-سنندج با ۱۴ مسافر در کیلومتر ۱۰محور دهگلان به سنندج با گاردریل کنار جاده برخورد کرد و واژگون شد.

در این حادثه سر صحنه کسی فوت نکرده اما حال دو نفر از مصدومان وخیم گزارش شده به طوری‌که دست یکی از آنان قطع شده و دیگری برای احیا به بیمارستان منتقل شد که جان باخت. وی علت این حادثه را عدم توجه به جلو ناشی از خستگی و خواب‌آلودگی راننده عنوان کرد و گفت: مجروحان با آمبولانس فوریت‌های پزشکی به بیمارستان دهگلان و کوثر سنندج منتقل شدند.به گفته سرهنگ گوهری، این مسیر در نزدیکی روستای سراب قروه کفی و یکنواخت است و جزو نقاط حادثه‌خیز نیز نبوده اما خستگی راننده کار دست مسافران داد.

پیام جلالی مدیرعامل جمعیت هلال احمر کردستان آمار مصدومان را ۱۳ نفر اعلام کرد و گفت: در پی اعلام واژگونی یک دستگاه اتوبوس مسافربری، بلافاصله دو تیم عملیاتی جمعیت هلال احمر کردستان به محل حادثه اعزام شدند و عملیات امدادی لازم در کمترین زمان صورت گرفت. همچنین یک نفر از مصدومان توسط تیم عملیاتی جمعیت هلال احمر کردستان رهاسازی شد.